

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم
دانشکده الهیات

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

عنوان:

کرامت انسان در اخلاق اسلامی

و اخلاق کانت

استاد راهنما:

دکتر زهرا خزاعی

استاد مشاور:

دکتر عسگر دیرباز

نگارنده:

زهرا رئیسی

زمستان / ۹۰

تقدیم به

صاحبان اصلی کرامت ، به آنانی که در قوس صعودی کرامت به مقام قاب قوسین او ادنی رسیدند ، به کریم اهل بیت ، حضرت امام حسن مجتبی (ع) و به امامی که در عین سکوت، صحیفه ای نوشت در احیای روح کرامت و به بانوی علم و معرفت ، کریمه ی اهل بیت ، حضرت معصومه (س) .

تَشْکُر و قَدْر دَانِی

"مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ"

سپاس خدایی را که تمام اوصافش در وصف نارساست و عظمتش واپسزندهی اندیشهها، نخستینی که کرانهای برایش نیست تا پایان پذیرد و پایانی که آن را پسینی نیست که دورانش به سر آید .

و با سپاس از راهنماییهای استاد ارجمندم ، سرکار خانم دکتر خزاعی و استاد گرامی، جناب آقای دکتر دیرباز که در این مسیر رهنمایم بودند.

و خانواده ام که در مسیر زندگی، همواره مهربانیهایشان پشتوانهام بوده .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	مقدمه
1	تعریف مسئله
3	فرضیه
3	سؤالات اصلی و فرعی
4	ضرورت
5	نوآوری
5	روش کار
5	ساختار پایاننامه
5	پیشینه

کلیات

فصل اول

۸	مباحث معناشناختی
۹	۱-۱- بررسی واژه‌ی انسان
۹	۲-۱- معنای کرامت:
۱۱	۳-۱- اقسام کرامت
۱۱	۳-۱-۱- کرامت ذاتی انسانی
۱۲	۳-۱-۲- کرامت به عنوان کیفیت و شایستگی
۱۳	۴-۱- رویکردهای متفاوت نسبت به کرامت انسانی
۱۳	۴-۱-۱- رویکرد غیر دینی
۱۳	۴-۱-۱-۱- کیهانمحوری
۱۶	۴-۱-۲- عقل محوری

- ۱۸-۲-۴-۱- رویکرد دینی.....
- ۱۸-۳-۱-۴-۱- مذاهب غیر آسمانی.....
- ۱۹-۱-۲-۴-۱- کرامت انسان در اندیشه‌ی مسیحیت.....
- ۲۲-۲-۲-۴-۱- نگاه اسلام به انسان و کرامت انسانی.....

فصل دوم

کرامت انسانی از دیدگاه کانت

- ۲۵-۱-۲- سیر تحولات اندیشه‌ی کانت.....
- ۲۷-۲-۲- اندیشه اخلاقی کانت.....
- ۲۹-۳-۲- عقل عملی، وجدان.....
- ۳۰-۴-۲- قانون اخلاقی.....
- ۳۱-۵-۲- امر مطلق.....
- ۳۲-۱-۵-۲- صورتبندیهای امر مطلق.....
- ۳۳-الف- صورتبندی قانون کلی.....
- ۳۳-ب- صورتبندی غایت فی نفسه.....
- ۳۳-ج- صورتبندی خودمختاری.....
- ۳۳-د- صورتبندی سرزمین غایات.....
- ۳۴-۲-۵-۲- بیان صورت بندی غایت فی نفسه.....
- ۳۴-۱-۲-۵-۲- مفهوم انسانیت در اندیشه‌ی کانت.....
- ۳۵-۲-۲-۵-۲- ابعاد وجودی انسان از نظر کانت.....
- ۳۵-الف- استعداد زندگی (حیوانی).....
- ۳۶-ب- استعداد انسانیت.....
- ۳۶-ج- استعداد شخصیت.....
- ۳۷-۳-۲-۵-۲- انسان غایت فی نفسه و موجودی دارای کرامت.....
- ۴۰-۲-۶- اراده و آزادی و اختیار و خودبنیادی.....
- ۴۰-الف- اراده.....
- ۴۰-ب- خودانگیختگی.....
- ۴۱-ج- آزادی.....
- ۴۱-د- اختیار.....

۴۲	ه-خودبنیادی.....
۴۳	۲-۷-ارادهی خیر.....
۴۹	۲-۸-صورتبندی سرزمین غایات
۵۲	۲-۹-تکلیف و تقسیمات آن
۵۳	۲-۹-۱-تکلیف به خاطر تکلیف و تکلیف از سر تکلیف.....
۵۴	۲-۹-۲-تکالیف حقوقی و اخلاقی.....
۵۵	۲-۹-۳-تکالیف ایجابی و سلبی
۵۵	۲-۹-۴-تکالیف در برابر خود
۵۶	الف-تکالیف نسبت به خود به عنوان حیوانی اخلاقی
۵۷	ب-تکالیف نسبت به خود به عنوان یک موجود صرفاً اخلاقی.....
۸	۲-۹-۵-تکالیف در برابر دیگران.....

۵۹

۶۲	۲-۹-۶-تکالیف در برابر سایر موجودات
۶۲	۲-۱۰-کرامت انسان ونقش آن بر حقوق انسانی
۶۴	خلاصهی این فصل

فصل سوم

کرامت از دیدگاه اسلام

۶۷	۳-۱-انسان در قرآن.....
۶۷	۳-۲-آفرینش انسان.....
۷۲	۳-۳-تعریف کرامت.....
۷۴	۳-۴-انواع کرامت.....
۷۴	۳-۴-۱-کرامت الهی.....
۷۴	۳-۴-۲-کرامتملکوتی یا کرامت "فرشتگان".....
۷۵	۳-۴-۳-کرامت انسانی.....
۷۷	۳-۴-۳-۱-کرامت ذاتی انسانی.....
۷۷	۳-۴-۳-۲-ریشهی کرامت ذاتی.....
۷۷	الف-دمیده شدن روح الهی.....
۷۹	ب-انسان خلیفه و جانشین خدا.....
۸۲	ج-انسان امانتدار خدا.....
۸۸	د-استناد به آیه ی کرامت.....
۹۲	ه-انسان اشرف مخلوقات است.....

۹۲	ی-ظرفیت های علمی و عقلی انسان.....
۹۳	ز-محور بودن انسان در رسالت الهی.....
۹۲	۳-۴-۲- کرامت اکتسابی(ارزشی) انسان.....
۹۸	۳-۵- نکوهش ها و تمجید از انسان در قرآن.....
۱۰۰	۳-۶-نمودهای کرامت انسانی در اسلام.....
۱۰۴	۳-۷-جمع بین کرامت ذاتی و اکتسابی.....
۱۰۴	۳-۷-۱-نظریه انسانگرا.....
۱۰۴	۳-۷-۲-نظریه افزوده.....
۱۰۵	۳-۷-۳-نظریه اقتضاء.....
۱۰۵	۳-۷-۴-نظریه جمع.....
۱۰۷	۳-۸-موانع کرامت اکتسابی.....
۱۰۷	۳-۸-۱-اسارت نفس.....
۱۰۸	۳-۸-۲-شُرک و نفاق.....
۱۰۸	۳-۸-۳-غفلت.....
۱۰۸	۳-۸-۴-فقر اقتصادی.....
۱۰۹	۳-۸-۵-اجبار در القای باورهای دینی.....
۱۱۰	۳-۸-۶-نگرش طبقاتی.....
۱۱۱	۳-۸-۷-فریب و خدعه.....
۱۱۱	۳-۸-۸-مَنّت نهادن.....
۱۱۲	۳-۸-۹-تجسس در کار دیگران.....
۱۱۳	۳-۸-۱۰-تمسخر.....
۱۱۳	۳-۸-۱۱-تکبر.....
۱۱۳	۳-۸-۱۲-تهمت.....
۱۱۴	۳-۸-۱۳-تملق.....
۱۱۴	۳-۹-راههای حفظ و ارتقای کرامت.....
۱۱۴	۳-۹-۱-تقوا و ایمان و عمل صالح:.....
۱۱۵	۳-۹-۲-رجوع به فطرت انسانی(وجدان).....
۱۱۶	۳-۹-۳-تعالیم پیامبران.....

فصل چهارم

۱۱۸	۴-۱-پیشینهی حقوق بشر در غرب.....
۱۲۱	۴-۲-حقوق بشر در اسلام.....
۱۲۱	۴-۲-۱-تعریف مفهوم حق.....

۱۲۱	۲-۲-۴-اقسام حق
۱۲۲	۲-۲-۴-۱-حقیقی و ارزشی
۱۲۲	الف-حقیقی
۱۲۲	ب-حق وضعی
۱۲۳	۳-۴-تفاوت نگرش اسلام
۱۲۴	۴-۴-عناصر حقوق انسانی در اسلام
۱۳۲	۴-۵-بررسی تطبیقی حقوق بشر اسلامی و غربی
۱۳۲	۴-۵-۱-حق حیات و آزادی
۱۳۳	۴-۵-۲-حقوق مربوط به ارجمندی و برابری انسان ها
۱۳۳	۴-۵-۳-نهی ظلم
۱۳۴	۴-۵-۴-مساوات در برابر احکام قضایی
۱۳۴	۴-۵-۵-حق امنیت و مهاجرت و حریم شخصی
۱۳۵	۴-۵-۶-حق ازدواج و تشکیل خانواده و حقوق زن
۱۳۶	۴-۵-۷-حق مالکیت و برخورداری از امکانات اجتماعی
۱۳۷	۴-۵-۸-حق آموزش
۱۴۴	۴-۶-کرامت انسان در قوانین ایران
۱۴۶	۴-۷-بازتاب کرامت انسان در اخلاق زیستی
۱۴۱	۴-۷-۱-مسئله کرامت انسان و اتانازی
۱۴۲	۴-۷-۲-کرامت انسان در اخلاق فن آوری

فصل پنجم

۱۴۳	نتیجه گیری
۱۵۶	فهرست منابع
۱۶۱	چکیده انگلیسی

چکیده

موضوع این رساله پیرامون کرامت انسان در اخلاق اسلامی و اخلاق کانت میباشد. طبق باورهای دینی مانند مسیحیت و دین اسلام و اندیشه‌های غیر دینی از جمله لاک و کانت، انسان در نظام هستی دارای ارزش و ارجمندی منحصر به فردی است که از آن به "کرامت انسانی" یاد میشود. در نظر کانت، منشأ کرامت، استعدادهای انسانی میباشد و اینکه انسان با قوهی عقلانی خود به وضع تکالیف اخلاقی میپردازد و با ارادهی خودبنیاد، خود را مکلف به انجام آن‌ها می‌کند. قانون اخلاقی که او نام میبرد به "امر مطلق" مشهور است و از تقریرات آن "غایت فی نفسه" است که بیان می‌کند "با انسان به عنوان غایت فی - نفسه رفتار کن نه وسیلهی صرف". انسان به عنوان هدف آفرینش محسوب میشود و همین نشانهی کرامت اوست. از نظر کانت ارزش انسان ذاتی است و درونی و انسان به طور تکوینی از آن بهره‌مند است و همین امر باید مبنای رفتار ما قرار گیرد، اینکه به انسانیت و کرامت انسانی هر فرد احترام بگذاریم و با آن‌ها صرف نظر از موقعیتهای اجتماعی و اعتقادی، برابر رفتار کنیم.

از نگاه ادیان آسمانی، ریشهی کرامت انسان به خداوند بازمیگردد. به تعبیر مسیحیان "خداوند انسان را به شکل و صورت خویش آفرید و به تعبیر قرآن کریم "خداوند از روح خویش در انسان دمید" و همین امر منشأ ارزش و جایگاه خاص انسان نسبت به سایر موجودات گردید. کرامت از نگاه دینی محصور به کرامت ذاتی نمی‌شود و آدمی می‌تواند با تقرب به خدا و پرهیزکاری بر آن بیفزاید و ارزش متعالی تری کسب کند و این ارزش، ارزش اکتسابی است. کرامت ذاتی حالت بالقوه دارد که با فضیلت و تقوا فعلیت مییابد. با توجه به این مهم در صددیم به بررسی کرامت و اقسام آن از نگاه کانت و باور دینی اسلامی بپردازیم.

واژگان کلیدی: کرامت انسانی، کرامت، ذاتی، اخلاق اسلامی، اخلاق کانت.

مقدمه

تعریف مسئله

اگر علم اخلاق علم "تحقیق در رفتار آدمی بدانگونه که باید باشد" و "روش عام زیستن و قواعد رفتاری" بدانیم، برای چگونه بودن و چگونه زیستنمان، نیاز به مبنایی داریم که روشنگر راهنمان باشد تا براساس آن، به بیراهه نرفته به سرمقصود نهایی برسیم و امر مهم دیگری که باید در این مسیر مورد توجه قرار گیرد، شناخت انسان است. در اخلاق اسلامی این مبنا چنانکه شهید مرتضی مطهری میفرماید کرامت انسان است. "اخلاق اسلامی بر محور خودشناسی و اساس کرامت خود واقعی انسان بنا شده است." [□] انسانی که از دیرباز، محور اندیشه و تأملات بوده و ادیان و و متفکرین، فلاسفه و هر علمی از زاویهای خاص او را مورد توجه قرار گرفته است. گاهی از دید منفی به او نگریسته شده و گاهی از بعد متعالی و مثبت. صرف نظر از دیدگاههای منفینگر به انسان، موضوع مورد بحث ما پرداختن به انسان به دور از افراط و تفریط است. برای رسیدن به نگاه متعادل پیرامون انسان، بهترین راه، رجوع به ادیان الهی و آخرین دین آسمانی یعنی اسلام است زیرا فرستندهی ادیان توحیدی یعنی خدا، خالق انسان است و بهتر از هر کس به زوایای انسانی آگاه می-باشد.

خداوند میفرماید "به بنی آدم کرامت عطا کردیم و او را بر بسیاری از موجودات برتری دادیم." "کریم در لغت یعنی "بزرگواری، احترام، عزت، شرافت، داشتن صفات پسندیده" [□] و "بزرگی، ارجمندی، بخشندگی" [□] و "جوانمردی، بزرگی ورزیدن" [□] است که همگی در بردارندهی بارمعنایی مثبت است.

[□] -مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، چاپ یازدهم (تهران: صدر، 1372)، 185،
[□] -فرهنگ نشر سخن، حسن انوری (تهران: سخن، 1382)، ذیل کرامت
[□] -فرهنگ معین، محمد معین (تهران: امیرکبیر، 1347)، ذیل کرامت
[□] -فرهنگ عمید، حسن عمید (تهران: امیرکبیر، 1357)، ذیل کرامت

علمای اخلاقی مانند ابن‌مسکویه و خواجه‌نصیرالدین طوسی، کرم را از فضائل سخا و سخا را از فضائل عفت میدانند و اینگونه تعریف میکنند "کرم آن بود که بر نفس سهل نماید انفاق مال بسیار در اموری که نفع آن عام بود و قدرتش بزرگ باشد بر وجهی که مصلحت اقتضاء کند."^۱ ایشان کبر نفس و نجدت را هم جزء فضائل شجاعت و اولی را به معنای این میدانند که نفس به کرامت و هوان مبالات نکند و به یسار و عدمش التفات نکند بلکه بر احتمال امور ملائم و غیر ملائم قادر باشد و دومی را به این معنا میدانند که نفس واثق باشد به ثبات خویش تا در حالت خوف، جزع نکند و حرکات نامنتظم از او صادر نشود "^۲. آنچه این بزرگان بیان کرده‌اند، جزء فضایل اخلاقی است و در این نوشتار، کرامت انسانی به معنای ارجمندی و شرافت انسان مورد نظر است. آری در اسلام انسان دارای کرامت است ولی آیا نوع انسان از این برتری برخوردار است یا به عده‌های خاص محدود میشود؟ گروهی معتقدند، تمام انسان‌ها اعم از مؤمن و کافر، از این کرامت برخوردارند.^۳ اکثر اندیشمندان اسلامی چنانکه اشاره خواهیم کرد معتقدند که خدا به انسان کرامت عام داده است که همهی انسان‌ها را شامل میشود. ولی این گونه نیست که این کرامت تحت هر شرایطی باقی بماند، بلکه این انسان است که میتواند با پرورش آن، کرامتی مضاعف را کسب کند و یا با بیتوجهی به این استعداد، به قهقرا کشیده شود و در واقع آیاتی که به برتری انسان در قرآن اشاره می‌کند همگی دال بر استعداد انسان برای کسب درجات عالی در نظام آفرینش است که باید از جانب وی، به فعلیت درآید و به بیان امام خمینی، اینها نعمتهای ابتدایی هستند.^۴ انسان دارای این توانایی است که از این نعمتها استفاده کند تا به اعلی‌ترین رسیدن به گفته‌ی آیتالله جوادی آملی، بلفعل خلیفه‌ی خداوند گردد.^۵

در میان فلاسفه‌ی غرب، کانت بیش از همه به مقوله‌ی کرامت انسانی پرداخته است. در اخلاق کانت، مبنای اخلاق، "امر مطلق" است. این قانون اخلاقی که توسط نیروی عقلانی انسان وضع شده است بیان می‌کند "تنها بر پایه‌ی آن آیینی رفتار کن که بخواهی آن قانون عام باشد"^۶ و از آنجا که اخلاق، مناسبات رفتاری ما را با خویشتن و دیگر انسان‌ها و حتی خدا و موجودات عالم شکل میدهد، کانت امر مطلق را در تقریر "انسان، غایت فی‌نفسه" بیان می‌کند. این تقریر به

خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، (به تصحیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری)، (تهران: خوارزمی، 1373)، ج 5، ص 115.
^۱-و ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاخلاق (اصفهان: انتشارات مهدوی، بی‌تا)، ص 43.
^۲-خواجه نصیر، اخلاق ناصری، ص 113-112 و ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق، ص 42.
^۳-رضا محمد رشید، تفسیر المنار، (بیجا: انتشارات دارالفکر) ج 1، ص 258.
^۴-روح‌الله موسوی خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، (تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام، 1379)، ص 137.
^۵-عبدالله جوادی آملی، ترجمه‌ی تنسیم، (قم: اسراء، 1380)، ص 56.
^۶-ایمان‌وئل کانت، بنیاد مابعدالطبیعی اخلاق، (حمید عنایت و دیگران)، (تهران: خوارزمی، 1369)، ص 60.

اصل " کرامت انسانی " اشاره میکند این که انسانها ذاتاً دارای ارزش هستند و میگویند " طوری عمل کن که انسان را ، خواه خودت باشد ، خواه دیگران ، همواره غایت بدانی و هرگز وسیله ی صرف به شمار نیآوری ". منظور کانت از این سخن که نباید با انسان ها به صورت وسیله ی صرف رفتار کرد این است که نباید انسان ها را آلت دست قرار دهیم. انسان ها ابزار نیستند که صرفاً به کار غایت دیگران بیایند. همچنین نباید آن ها را فریب داد و اغوا کرد. چنین برخوردی در واقع رعایت نکردن خودمختاری انسان ها و حاشا کردن سرشت عقلانی آن هاست که وجه مشترکشان می باشد. از نظر وی، انسانیت یک ارزش است که برای آن قیمتی نمیتوان لحاظ کرد. انسان هدف آفرینش است . از نظر او جهان بدون انسان ها جهانی عبث و بیحاصل. کانت بیان می کند، این که انسانیت را در وجود خویش و دیگران ، غایت بدانیم مستلزم اجتناب از اعمالی در قبال خود و دیگران میشود و در مقابل، ما را به انجام اعمالی سوق میدهد. این که به انسان احترام نهیم و شخصیت خویش را تحت هیچ شرایطی از دست ندهیم. انسانی که کانت به تصویر میکشد دارای ارادهای نیک است که تنها و به انگیزهی تکلیف ، تکالیف اخلاقی خود را انجام میدهد و آنچه که این انسان را مزین به کرامت کرده همان عقلی است که واضع و پایبند به اخلاق است و چون همهی انسان ها از این نعمت برخوردارند لذا همگی ذاتاً واجد آنند.

این نوشتار در خصوص بررسی موضع اخلاق اسلامی و اخلاق کانت ، پیرامون مسألهی

کرامت و مقایسه این دو دیدگاه در مورد آن میباشد.

سوالات اصلی و فرعی

مهم ترین سوالاتی که در باب این موضوع مطرح میشود عبارتند از،

- ۱- کرامت انسان در اخلاق اسلامی و اخلاق کانت به چه معنا است؟
- ۲- خاستگاه کرامت کجاست آیا منشأ آن ، انسان به ماهو انسان است یا جعل کسی خارج از وجود انسان؟

۳- کرامت ذاتی است یا اکتسابی؟

۴- آثار و لوازم کرامت انسانی چیست؟

فرضیه

- ۱- در اندیشه‌های اسلامی بر طبق آیات و روایات ، انسان دارای مقام و جایگاه خاصی نسبت به سایر موجودات است ، چنانکه حتی انسان و وجود او برابر با کل هستی آسمان و زمین است. انسانی که کریم آفریده شده میتواند با استفاده از استعداد عقلانی خود حتی فراتر از مقامی که تکویناً دارد برود و این ارجمندی انسان را میرساند که برطبق آیهی قرآن از آن به کرامت یاد میشود و در اندیشهی کانت نیز ، انسان هدف و غایت در میان مخلوقات است نه ابزار برای رسیدن به غایت پس دارای کرامت است و این کرامت را به صورت تکوینی و ذاتی دارد. از نظر کانت، انسانیت ارزش است لازمی این ارزشمندی این است که مورد احترام قرار گیرد.
- ۲- طبق آیات قرآن، ریشهی این کرامت در دمیده شدن روح الهی در انسان است و این که خدا او را جانشین خود قرار داده و علم خاص به وی داده که حتی فرشتگان از آن محروم بودند و او را از نعمت عقل و اختیار برخوردار کرده و موجودات دیگر را مسخر او قرار داده. در اخلاق کانت هم ریشهی کرامت در این است که انسان دارای عقل است و به طور آزاد و خودمختار، قوانین اخلاقی را با نیروی عقل خویش وضع و تنها به خاطر تکلیف عمل می کند و درحقیقت دارندهی ارادهی خیر است که یگانه امرخیر بیقید و شرط است و هرچیزی که با ارادهی خیر همراه شود دارای ارزش و کرامت خواهد شد و انسان اخلاقی که دارای ارادهی خیر باشد، دارای کرامت هم هست.
- ۳- طبق نظر اسلام، انسان با کرامت به دنیا میآید ولی میتواند در پی ایمان و تقوا و عمل صالح ، به کرامتی افزونتر دست یابد برطبق نظر کانت، انسان به ما هو انسان دارای ارزش است و کرامت او وابسته به مقام و اعتقاداتش نیست.
- ۴- اگر انسان را موجودی ارزشمند و صاحب کرامت بدانیم و کرامت را یک حق برای انسان بدانیم ، نتایجی در پی دارد. اول اینکه تکالیفی را در قبال خود و دیگران به وجود میآورد و در ثانی در حقوق و سیاست و اجتماع نمود مییابد.

پیشینه

کرامت نفس یا عزت نفس از مباحث مهم در حوزهی زبان شناسی، انسان شناسی و فلسفه اخلاق می باشد پایان نامه هایی درباره ین موضوع در حوزه روان شناسی نوشته شده از جمله " بررسی اثر بخشی آموزش شناختی بر عزت نفس " ، " اثرات عزت نفس بر عملکرد دانش آموزان دختر و پسر

"همچنین در حوزه اسلامی از موضوعاتی هست که به آن پرداخته شده، از جمله در کرامت انسان از دیدگاه اسلام که به بررسی منزلت انسان میپردازد و کرامت انسان را به عنوان بحثی از مباحث انسان شناسی مطرح می کند. کرامت نفس در حوزه اخلاق مورد توجه کانت بود اما پایان نامه هایی همچون " تبیین و نقد اخلاق کانت " و "تفسیری بر نظریه اخلاقی کانت " به بررسی کلی نظام اخلاقی کانت پرداخته اند و در این تحقیق سعی بر آن بوده که کرامت انسان در دو نظام اخلاق اسلامی و اخلاق کانت توفیق بررسی شود.

ضرورت

اصل کرامت ذاتی انسان ، از اصول هایی است که متعلق به گروه خاص نیست . با شناخت کرامت انسانی میتوان آغازی بینهایت زیبا برای انسان ترسیم کرد و انسان را در حرکتی زیبا تا بی نهایت به تصویر کشید در پی شناخت کرامت انسانی و به دنبال آن رعایتش ، جهانی سرشار از کرامت و فضیلت خواهیم داشت .

نوآوری

این که در یک نوشتار به نحو انحصاری، به بررسی مفهوم کرامت انساندر اخلاق کانت پرداخته شود و همچنین این مفهوم در اخلاق اسلامی بیان شود و نقش این اصل در حقوق انسان ها بیان شود، به گونهای که امکان مقایسهی آن فراهم آید از نوآوریهای این نوشتار است

روش کار

با توجه به موضوع پایاننامه که نظری است، شیوهی کار کتابخانه ای میباشد. بعد از رجوع به منابع، به تحلیل و بررسی و مقایسهی آراء پرداخته شده است.

ساختار پایاننامه

در فصل اول این نوشتار، کلیتی از موضوع مورد بحث ارائه شده است. مباحثی از قبیل مفهوم کرامت انسانی و اقسام آن، رویکردهایی که نسبت به این موضوع وجود دارد. در فصل دوم بعد از بیان اجمالی از اندیشههای فکری و فلسفی کانت، مبحث اخلاقی وی آغاز میشود و مبنای اخلاق کانت یعنی امر مطلق و تقریرهای آن ، وارد مهمترین تقریر یعنی غایت فینفسه مطرح میشود که

اصل و پایه‌ی این فصل است. در این قسمت بیان میشود که نظر کانت در مورد انسانیت چیست و چرا انسان را غایت فینفسه می‌داند و با بیان و پرداختن به این سؤال، آشکار میشود که چرا انسان در اندیشه‌ی کانت دارای کرامت است و حال که انسان ارجمند است، چه تکالیفی در قبل انسانیت و کرامت خود و دیگران دارد. فصل سوم هم به موضوع کرامت در اخلاق اسلامی اختصاص دارد و به علت اینکه این فصل نسبت به مباحث اخلاقی کانت جامعیت دارد و معمولاً در مکتوبات اخلاقی چه غیر اخلاقی، نظر جامع‌تر در خصوص یک مطلب، متأخر قرار می‌گیرد، لذا فصل سوم به نظر اسلام در خصوص کرامت انسان اختصاص دارد و آیات و روایاتی که از آنها ارزش انسانی استنباط میشود را به نقل از مفسرین بیان و ریشه‌های کرامت و انواع آن در اخلاق اسلامی ذکر شده است. در فصل چهارم نیز در خصوص بازتاب مسئله‌ی کرامت در حقوق انسانی می‌باشد و در نهایت، فصل آخر هم به صورت اجمال به مباحث این سه فصل و مقایسه و نتیجه‌گیری آن، اختصاص دارد.

فصل اول

کلیات

مباحث معناشناختی

باگذر از ساحت اولی‌هی انسانی که در آن دغدغه‌های مادی مطرح است، انسان وارد ساحت والای ثانویه می‌شود که در آن دغدغه‌ها نیز متعالی می‌گردند و در اینجا است که انسان خود را ضلع مثلی می‌بیند در کنار خداوند و جهان هستی. در ساحت ثانویه است که به دنبال مجهولاتش می‌رود و در نقطه‌ی آغازین تأملاتش، خویشتن خویش را مورد تعمق قرار می‌دهد؛ این که جایگاهش در نظام آفرینش کجاست و هستی‌بخش او کیست؟ این قبیل سؤالات که از آغاز با انسان‌ها همراه بود، تدریجاً، به موازات رشد معرفتی انسان شکل علمی به خود گرفت و علمی از قبیل انسانشناسی و تئولوژی و کیهانشناسی، محصول این گونه تفکرات بشری شد.

اهمیت این بحث‌ها در جهان معاصر مشهود است. موضوع جنگ‌های جهانی و کشته شدن میلیون‌ها انسان و به دنبال آن پیشرفتهای علمی و فناوری که هرچند قرار بود در خدمت بشریت باشد ولی مخل امنیت شخصی او شد، مسأله استعمار، همه و همه سبب شد انسان‌ها به فکر بیفتند تا ریشه‌ی مشکلات عصر جدید را بیابند. ریشه‌ی این کشمکش‌ها چیزی جز کمرنگ شدن اخلاق نبود. در اخلاق آنچه محوریت دارد، انسان است. اخلاق مشخصکننده‌ی رابطه‌ی انسان با خویشتن و با خالق است. اخلاق رابطه‌ی او با انسان‌های دیگر را آشکار می‌کند حتی رابطه‌ی او با موجودات غیر انسانی نیز در سایه اخلاق معلوم می‌شود. این که چرا انسان در میان موجودات اخلاق‌مند است، به نحوه‌ی آفرینش او و استعداد‌های او برمی‌گردد، این که در جهان هستی جایگاه ویژه‌ی او دارد و دارای عقل است و اراده و اختیار و این که تنها محصور به بعد مادی‌اش نیست و مدرک خود است و... همگی این‌ها باعث ارزشمندی و کرامت او شده است. به عبارت مختصرتر می‌توانیم بگوییم، پایه اخلاق متکی بر شرافت و کرامت و ارزشمندی انسان است. در واقع غفلت از مقام انسان و حیثیت و ارزش انسان به مشکلات بشریت دامن زده است لذا تحقق آرمان‌های جهان معاصر از

قبیل صلح و آزادی و عدالت بر مبنای کرامت انسان ها می باشد. صدور اعلامیه هایی در دفاع از حقوق انسان ها و به دنبال آن اعلامیه هایی که در اخلاق فن آوری و اخلاق زیستی صادر شده اند، همه بر مبنای همین اصل و برای صیانت از این اصل می باشند. اینجاست که برای این که حقوق بشر به یک فرهنگ جهانی تبدیل شود نخست باید شرافت ذاتی انسان ها را اثبات کند و انسان را در جایگاه اصلی خود بنشانند. "بدون آشنایی جان انسان ها با جان های دیگر، محال است تفاهم مشترک بین انسان ها برقرار شود" [□] قبل از پرداختن به کلیات مبحث انسان و کرامت انسانی، بهتر است شرح الاسمی از واژگانی که در ارتباط با انسان و کرامت اوست، ارائه دهیم.

۱-۱- بررسی واژه‌ی انسان

در فرهنگنامه‌های فارسی تعاریف مشابهی از انسانو انسانیت ارائه شده است که عبارتند از "پستانداری که روی دوپا راه می‌رود، تربیت و اخلاق از مشخصات انسان است" [□] و "آدمی، بشر، اناسی، اناسی جمع انسانیت، کسی که دارای تربیت و ادب و اخلاق نیکو است" [□] تعابیری که برای آدمیان در قرآن استفاده شده، انسان و انس بشر و ناس و آدم است که در فصل سوم، به توضیح آن می‌پردازیم.

کرامت انسانی معادل عبارت "Human Dignity"، از دو واژه‌ی "کرامت" و "انسانی" تشکیل شده است.

"واژه‌ی Human یعنی آنچه که به زمین مرتبط است، بدین معنا انسان یعنی زمینی و یا چیزی که به زمین تعلق دارد. گاهی در مورد انسان هم از اصطلاح human being استفاده میشود به معنی انسانیت. being به معنی بودن، که در این عبارت، نوع خاصی از بودن را در مورد انسان تعیین می بخشد. " [□] انسان از بعد خود آدم بودن (بعد جسمی) مترادف است با واژه‌ی بشر، جایز الخطا بودن، آسیب‌پذیر، ناقص و از بعد انسانیت مترادف است با دلسوزی و مهربانی ملاحظه‌گر " [□].

[□] محمد تقی جعفری، حقوق جهانی بشر (مرکز تنظیم و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۸)، ۷۰.

[□] فرهنگ معین، ذیل انسان

[□] فرهنگ عمید، ذیل انسان

[□] -MetteLebech. "What Is Human Dignity?". faculty of philosophy NUI Maynooth. university of Irland. (۲۹ september ۲۰۰۶). PDF

[□] -oxford(synonyms And Antonyms)•E2(2007)• 215.

۱-۲ معنای کرامت

کرامت عبارت است از "بزرگی، ارجمندی، بخشندگی، امور خارق‌العاده که از کسی غیر از پیامبر سرمیزند" □

"بزرگی ورزیدن، جوانمرد گردیدن، بخشندگی، دهش و از مشتقات کرامت، کرامات است به معنای "بزرگیها، جوانمردیها، اشیاء نفیس، خوارق عادات اولیاء" □

"کرامت، کارهای خارق‌العاده که به دست اولیا انجام میشود، داشتن فضائل پسندیده، بزرگواری و شرافت، بخشندگی، سخاوت، احترام و عزت، بزرگی داشتن" □

"کرامت حالت تکریم و مورد احترام است و به معنای شکوه جلال و ارزش، شایستگی، باشرافت است. ریشهی آن Dignitas برگرفته از Dignus به معنای ارزشمند است" □. کرامت انسانی معادل واژهی آلمانی menschenwurde میباشد.

"کرامت دارای پیشینه‌های دینی و تاریخی در مغرب زمین است. ریشهی دینی آن برمی گردد به آموزه‌های یهودیت و مسیحیت. واژه عبری qedula که به dignity ترجمه می شود به معنی عزت و شرافت است. در زبان یونانی با واژهی αὐτομάτῃ مرتبط است به معنی نمایش دادن و دیده شدن در زبان یونانی semnotes معادل dignity است. "decus" ریشه‌ی یونانی dignity به معنی زیور و برتری و شرافت و شکوه و عظمت است. وقتی این دو واژه در کنار هم قرار می گیرند به این معنی است که ساختار وجودی انسان به گونه ای است که در خور احترام است و دارای ارزش والایی است. ارزش و احترام در احساسات آشکار می شود و برما تأثیر می گذارد. "□، به این معنا که وقتی کسی را ارزشمند ببینیم، احساس احترام نهادن به او در ما برانگیخته می شود و در رفتار ما بروز میکند

□ فرهنگ عمید، ذیل کرامت
□ فرهنگ معین، ذیل کرامت
□ فرهنگ نشر سخن، ذیل کرامت